

مسیر دشوار مردم سالاری

مهدي مدبر



سرمقاله

حکومت باید عوامل انفجار شنبه را شناسایی نماید

حفیظ الله زکی

تظاهرات ۲ اسد با کشته شدن بیش از ۸۵ نفر و زخمی شدن بیش از دو صد تن پایان یافت. حادثه خونین روز شنبه کابل نه اولین حادثه غمبار در افغانستان است و نه آخرین آن خواهد بود. تاریخ این سرزمین با خون نوشته شده است. زندگی مردم این سرزمین قرن هاست که با خون، اندوه، فقر و بیچارگی توأم بوده است. این سرزمین بدترین قتل عامها، کشتارها، ستمها و محرومیت ها را تجربه کرده است. مردم افغانستان ششاد انواع تصفیه قومی، مذهبی و نژادی در این کشور بوده اند. بنابراین حادثه روز شنبه از این لحاظ بی سابقه نیست؛ اما این حادثه یکی از تلخ ترین و دردناک ترین حوادث کشور در طول تاریخ به حساب می آید. ماهیت این انفجار بسا انفجارهایی که در بازار و محل تجمع مردم رخ می دهد کاملا متفاوت است.

به نظر می رسد که حادثه روز شنبه دارای ابعاد و لایه های متعدد و بسیار پیچیده است که بررسی دقیق، کارشناسه و شفاف آن یکی خواست های مهم و اساسی وارتان شهداء و مردم افغانستان را تشکیل می دهد. حکومت با توجه به رویارویی های که با جنبش روشنائی داشته است و نیز مسؤلیتی که در قبال امنیت شهروندان دارد، به بی توجهی و غفلت در انجام مسؤلیت های خود متهم می باشد و نمی تواند در جریان تحقیقات خود رضایت و اعتماد مردم را به دست آورد. اعتماد میان مردم و حکومت سال هاست که از بین رفته است. پس بهتر آن است که حکومت افغانستان نسبت به این امر توجه نموده و یک تیم مورد اعتماد مردم را به بررسی ابعاد و لایه های گوناگون حادثه روز شنبه بگمارد.

از سوی دیگر حکومت مانند گذشته نباید به ایجاد کمیسیون اکتفا کرده و نتایج کارکردهای کمیسیون را پس از مدتی به فراموشی بسپارد. تاهنوز حکومت در موارد زیادی کمیسیون حقیقت یاب تشکیل داده است؛ اما با سپری شدن چند ماه و فروکاست احساسات اولیه مردم، خود بخود کمیسیون مزبور منحل شده است. ولی در این مورد حکومت باید متوجه ابعاد و پیچیدگی های باشد که از زمان ظهور جنبش روشنائی تا کنون به پرسش های فراوان مردم پاسخ داده است.

تظاهرات روزشنبه یک تجمع مدنی و به دور از هر نوع خشونت بود که در چوکات قانون اساسی و سایر قوانین کشور راه اندازی شده بود و اشتراک کنندگان آن هم اغلب جوانان و نوجوانان متعلم و تحصیلکرده بودند. از اینرو انفجار شنبه به لحاظ از دست دادن بهترین نیروی انسانی و افراد نخبه بی سابقه ترین و تلخکام ترین حادثه در تاریخ افغانستان به حساب می آید. نیروی جوان، فعال و تحصیلکرده کشور از منابع مهم توسعه شمرده می شود. از دست دادن این نیروها طبیعی است که برای کار و بازسازی کشور امر مخاطره آمیز تلقی می شود.

بر مبنای قانون اساسی تظاهرات مدنی، صلح آمیز و بدون حمل سلاح از حقوق و وجایب اساسی شهروندان کشور است و حکومت مکلف به تأمین امنیت آن می باشد. این ماده قانونی مسؤلیت امنیت تظاهرات را به عهده دولت می گذارد. روز شنبه خواست ها و تقاضاهای مردم از طریق مسالمت آمیز و به دور از خشونت مطرح گردید. حکومت وظیفه داشت که امنیت چنین تظاهراتی را بگیرد. اما متأسفانه چنین نشد و حکومت به سادگی اجازه ورود افراد انتحاری را در میان مردم داد و جنبش روشنائی را قلع و قمع نمود. از سسوی دیگر مردم افغانستان و بخصوص جوانان و نوجوانان کشور معمولاً افراد احساساتی و تا حدی آرمانگرا می باشند. بودن آنها در صف جنبش نشان این است که جوانان ما از تبعیض و بی عدالتی در کشور به ستوه آمده اند. حضور جوانان در این تظاهرات بیانگر اوج یأس و درماندگی این قشر تأثیرگذار جامعه بر تحولات و تغییرات اجتماعی می باشد. امیدوارم محققان و کارشناسان از زوایای مختلف این مسأله را مورد توجه قرار بدهند و بر تأمین نیازمندی ها و خواست های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این قشر از سوی حکومت توجه لازم صورت بگیرد.

به عنوان یک حکومت دموکراتیک مکلف است که به خواست های شهروندان خود توجه کند. اما تداوم بی توجهی دولت و ناکامی گفتگوها، باعث شده که هزاران شهروندی که بر علیه تبعیض شعار می دادند و عدالت می خواستند، مورد حمله انقلاب تبسم و جنبش روشنائی شکل گرفت و محروم ترین مردم افغانستان برای مطرح کردن خواست های شان به خیابانهای کابل آمدند و صدای اعتراض شان را بلند کردند؛ صدای اعتراضی که برای اولین بار بود که به گونه ی دسته جمعی فرصت می یافت تا بلند شود. اما حکومت افغانستان متأسفانه در قبال خواست شهروندان خود بی توجهی کرد. بیش از سه ماه می شد که اعتراضات ادامه داشت. اما حکومت نتوانسته بود به خواست شهروندان خود بی توجهی پاسخ قناعت بخش بدهد. بی توجهی به خواست شهروندان و همچنان کوتاهی در تأمین امنیت معترضین باعث شد که یکی از بزرگترین نمایش های مردم سالاری در کشور، به یکی از خونبارترین نمایش های خشونت مبدل شود و صدها انسان کشته و زخمی گردد.

نمی توانستند مطرح کنند. اما وضعیت جدید، روزنه ی جدیدی را بر روی آنها گشوده بود و آنها امیدوار بودند که در فضای دموکراتیک زمینسه مطرح کردن خواست های آنها نیز فراهم می گردد. با توجه به همین امیدواری ها بود که انقلاب تبسم و جنبش روشنائی شکل گرفت و محروم ترین مردم افغانستان برای مطرح کردن خواست های شان به خیابانهای کابل آمدند و صدای اعتراض شان را بلند کردند؛ صدای اعتراضی که برای اولین بار بود که به گونه ی دسته جمعی فرصت می یافت تا بلند شود. اما حکومت افغانستان متأسفانه در قبال خواست شهروندان خود بی توجهی کرد. بیش از سه ماه می شد که اعتراضات ادامه داشت. اما حکومت نتوانسته بود به خواست شهروندان خود بی توجهی پاسخ قناعت بخش بدهد. بی توجهی به خواست شهروندان و همچنان کوتاهی در تأمین امنیت معترضین باعث شد که یکی از بزرگترین نمایش های مردم سالاری در کشور، به یکی از خونبارترین نمایش های خشونت مبدل شود و صدها مردمی که روزشنبه تظاهرات مسالمت آمیز شرکت کردند، باورمند به مردم سالاری بودند. آنها فکر می کردند که به عنوان شهروندان این کشور، خواست های آنها باید شنیده شود و حکومت افغانستان

روندها و ساختارها در وضعیت جدید جهانی

محمود واعظی/قسمت هشتم و پایانی



عمده ترین این روندها عبارتند از : الف- در حالی که جهانی شدن فرآیند مسلط در وضعیت جهانی را شکل می دهد، بومی گرایی، محلی گرایی و منطقه گرایی نیز در حال رشد می باشند. ب- در حالی که تمرکز قدرت و از بین رفتن تعارضات میان قدرت های بزرگ، انتظار نظم و امنیت را افزایش داده است، آسیب پذیری و منابع نامطمئن نیز به دلیل ورود بازیگران جدید به عرصه تعاملات جهانی افزایش یافته است. ج- در حالی که پیشرفت های تکنولوژی و یک و انقلاب از باطبات امکان تأثیرگذاری فرهنگ مسلط جهانی را بر سایر فرهنگها و خرده فرهنگها تشدید می کنند، در عین حال همین مسئله به امکان تداوم حیات می بخشد. - در حالی که بنا به دلایل مختلف تصور می شود که حاکمیت دولتها در حال فرسایش است (مسئله جهانی شدن، مداخله بشردوستانه، انتقال از باطبات و...)، امکان و فرصت بازیگری برای دولتها همچنان به قوت خود باقی است و در برخی حوزهها افزایش نیز یافته است.

شدن اقتصادی و همچنین تقویت جهانی شدن فرهنگی و دینی میان جوامع مختلف به واسطه آشنایی با عقاید یکدیگر و کاهش تنش در سطوح منطقه ای و جهانی از دیگر پیامدهای تحولات نظام بین المللی در این زمان است. با توجه به رویکردهای مطرح شده، محرومهای عمده در وضعیت جدید جهانی را می توان در موارد زیر خلاصه کرد: ۱- پس از پایان جنگ سرد، تفکیک میان دو مفهوم "نظام بین المللی" که میدان تعامل واحدهای ملی است و مفهوم "وضعیت جهانی" که فضای کلی جهانی اعم از نظام بین المللی و تعاملات و روندهای فرانظامی را شامل می شود، ضرورت دارد. ۲- گفتن حاکم بر نظام بین المللی، گفتن اقتصادی و گفتن حاکم بر وضعیت جهانی، گفتن امنیتی است. ۳- برخلاف روندها و تعاملات درون نظامی که به دلیل رفتار عمدتاً معقول واحدهای ملی امکان درک و شناسایی آنها وجود دارد، روندها و فرآیندهای فرانظامی مسیریهای متناقضی را طی می کنند.

عمده ای در مفروضات نظریه های موجود در روابط بین الملل و حتی علوم اجتماعی و انسانی ایجاد کرده است، هر چند ادعای یک انقلاب در ساختار علمی، آن چنان که توماس کوهن ایراز داشته، محل تردید است. تحولات سال های گذشته نشان داد که نظم نوین آمریکایی در بطن خود دکترین دیگری تحت عنوان بی نظمی نوین جهانی می پروراند که پیامد آن تغییر پارادایم سیاست خارجی آمریکا در قالب یکجانبه گرایی - چندجانبه گرایی خواهد بود. در ریاضت حقوقی، شاهد شکل گیری روند چند جانبه گرایی تخصصی میان دولتها و بازیگران غیر دولتی خواهیم بود. همچنین بر مباحث حقوقی - سیاسی دوران جدید، تأکید زیادی به عمل خواهد آمد. نهایتاً تحولات سال های اخیر، یک رشته فرصتها و محدودیت های تازه ای به وجود آورد است؛ دولتها مجبور به ورود در حوزه هایی خواهند شد که بیشتر از آنها رویگردان بوده اند. کند شدن روند جهانی

قابل توجهی از دلایل این ناکامی، بدون تردید، به ماهیت سیال و متغیر دوران حاضر برمی گردد و اینکه ما هنوز عصر دگرگونی ها را به پایان نبرده ایم و نتیجتاً از یک موضع در حال تغییر، شناسایی تغییر چندان عملی نمی باشد. این مسئله موجب شده است که در شرایط حاضر، شناسایی روندهای دگرگونی بیش از ارائه نظریه های کلان در خصوص وضعیت جدید، از اهمیت برخوردار باشد. براین اساس، با توجه به تصویر ارائه شده از وضعیت جهانی، در بررسی نظریه بعد از ۱۱ سپتامبر تأکید بر چند نکته ضروری به نظر می رسد: نظریه های روابط بین الملل علی رغم تکامل تدریجی همچنان دستخوش نارسایی هایی در پیش بینی رویدادهای آتی می باشند. حملات ۱۱ سپتامبر نشان داد که نظریه های مزبور، ماهیتی سکولار دارند و مهمترین ضعف آنها قسدها پارادایم دینی و نیز کم توجهی به سطح تحلیل فردی و تا حدودی نادیده گرفتن پارادایم فرهنگی می باشد. بنا بر ادعای اکثر کارشناسان و صاحب نظران روابط بین الملل و علوم سیاسی، حادثه ۱۱ سپتامبر و پیامدهای آن تحول



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده
دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۷